

جمعی از نویسندگان و شاعران با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند **آقا گفتند داستان باید حکایت واقعبت‌های افتخار آمیز باشد**

مدیر مدرسه رمان شهرستان ادب درباره دیدار جمعی از نویسندگان و شاعران کشورمان یار هبیر معظم انقلاب اسلامی گفت: معظم‌له جملات دقیقی در باب داستان‌نویسی بیان کردند، از آن جمله اینکه داستان باید حکایت واقعبت‌های افتخار آمیز باشد و نباید موجب افسردگی و دل‌مردگی مخاطب شود.

به گزارش « جوان» به نقل از فارس، این افراد که اغلب مرتبط با حوزه هنری یا شهرستان ادب و از چهره‌های شناخته‌شده حوزه بودند.

علی‌اصغر عزتی‌پاک، مدیر مدرسه رمان شهرستان ادب با توصیف این دیدار به نقل جملاتی از ایشان پرداخت و گفت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان داشتند: «حضور شما در اینجا نشان می‌دهد که اتفاق بزرگی در کشور در حال روی دادن است. ما این محصول قیمتی و مطلوب (جمع نویسندگان) را داریم. من به جلو حرکت می‌کنیم. من اگر بخواهم درباره رمان مطلوب انسان ایرانی و جمهوری اسلامی حرف بزنم، همین چیزهایی را که شما گفتید، می‌گویم. حقایق جمهوری اسلامی را نشان بدهید، تاریخ هست، امام هست، مجاهدت‌ها هستند، توقیقات بزرگ هستند و البته گاهی تلخی‌هایی هم هست که باید گفته شود. همه اینها باید در کنار هم گفته شود. نباید فقط تلخی و یأس و سیاهی در رمان‌ها باشد. این سخنانی که این جمع گفت، من هم اگر بخواهم بگویم همین‌ها را خواهم گفت. با وجود همه نگرانی‌ها که منشأ آن درست است، تردیدی در این نیست که اتفاقات خوبی دارد می‌افتد. شما رمان‌نویس هستید و مشکلات را فهمیده‌اید (اشاره داشتند به سخنان نویسندگان). حالا تصمیم گرفتید بر خلاف آن تاریخ‌اندیشی‌ها و سیاهی‌ها عمل کنید. این مهم است. آن را دنبال کنید. حسرت خوردن درباره کار دیگران و کارهایی که نوشته‌اند و حرف زدن درباره آنها، کار را پیش نمی‌برد. بهتر است به کار خودتان بپردازید. اینکه می‌خواهید کار کنید یعنی اتفاقاتی در راه است.»

ایشان در بخش دیگری از بیاناتشان فرمودند: «مان بسیار مهم است و این قالب آن قدر اهمیت دارد که حتی برخی اهالی ادبیات هم به آن توجه ندارند. چه ابزاری بهتر از داستان برای شناخت یک ملت و جود دارد؟ ابزاری بهتر از داستان سراغ نداریم اما توجه کنید که رمان علاوه بر اینکه باید قلمه خوبی بگوید، باید خوب هم قلمه بگوید. از این رو به ابزار توجه کنید. چگونه گفتن مهم است، خوب قلمه بگویید. رمان تصویرگر واقعباتی است که با هیچ زبانی نمی‌توان بیان کرد، منتها در درجه اول باید جاذبه داشته باشد. درباره چگونه گفتن تأمل کنید و به فن داستان‌نویسی توجه داشته باشید.»

ایشان با گزایه از برخی آثار که در آنها هیچ نقطه روشنی نیست، فرمودند: «این موضوع پسندیده‌ای نیست، داستان، کلیت حکایت واقعبت‌های افتخار آمیز باشد. تلخی هست، ولی داستان نباید موجب افسردگی و دل‌مردگی بشود. شما باید این خلأ را پر کنید. نقاط قوت کار شما این است که فهمیده‌اید باید حقایق موجود در جمهوری اسلامی را در قالب داستان بیاورید.

الحمدلله مشکوولید و امیدوارم روز به روز پیش بروید.» به گفته عزتی‌پاک، رهبر انقلاب همچنین به اهمیت نشر نیز اشارات مهمی داشتند و فرمودند: کاری که مجمع ناشران انقلاب اسلامی انجام می‌دهد، کار بسیار ارزشمندی است. امیدوارم با بهترین وجه دنبال شود.

#### معاون استان‌های صداوسیما: تلویزیون

**در زمان معاونت سیما از بهرام شیوع تجلیل کردم**

در زمان معاونت سیما از او و تنسی چند از مجریان پیشکسوت از مرحوم شیوع تجلیل کردم، می‌گفت. این اقدام حسرتگسی سالیع‌ها کار را از تنش بیرون کرد.
علی‌داریبی، معاون استان‌های صداوسیما با بیان این مطلب درباره مرحوم بهرام شیوع در رصفه اینستاگرام خود نوشت: «شیوع با کارنامه ۱۰ سال خدمت صادقانه همراه باالخاص وادب درصداوسیما وحوزه ورزش از میان ما رفت. همیشه لیخند داشت ومهربانی وفرورتنی او بزرگ و کوچک نمی‌شناخت. درزمان معاونت سیما از او و تنسی چندازمجریان پیشکسوت تجلیل کردم، می‌گفت این اقدام سیما سال‌ها کاراازتنش بیرون کرد. درحافظی ماه مبارک رمضان اسمسال همدیگرارادیدیم. شیوع اسماست تابستان مهمان ویژه جشنواره تولیدات مراکزصداوسیما در شهرکرد هم بود، خدایش پیامرز و با امیرالمومنین علی(ع) محشورفرماید. به همسراجمند وسیرزنانیش وسایرستگان تسلیت می‌گویم.»



**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سرمدبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۶۹۰ | شنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۷ | صفح ۳-۶ | ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۱:۵۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۴۲ | اذان مغرب: ۱۷:۵۰ |قیمه شب‌نشری:۹۰۰۹۰|۲۴۰۰|طبق‌صبح‌قرده:۶۰۰۴ |اطلوع آفتاب‌فردا: ۶:۰۱ |

## بررسی دلایل ظهور دستمزدها و نمایش‌های لاکچری در تئاتر در گفت‌وگو با شکر خدا گودرزی

# مناسباتِ سالم تئاتر را بر هم زده‌اند



**مصطفی شاه‌کرمی**
در چند روز اخیر «جوان» درباره جولان سلبریتی و رشد تئاترهایی که بخش عمده‌ای از مردم توان خرید بلیت آن‌ها ندارند هشدار داده بود.
دیروز سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این باره در توئیت‌ر نوشت: «تئاتر لاکچری تیر خلاص به این هنر مردمی‌ است. اداره هنرهای نمایشی حریم صحنه را از آن مصونیت دهد.»
این مسئله از جمله محورهای گفت‌وگوی ما با شکر خدا گودرزی، یکی از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر است.

**آقای گودرزی، برخی تئاتر را هنری برای مخاطبان خاص و ویژه می‌دانند و برخی دیگر تئاتر را هنری عامه‌پسند و برای مخاطب عام تعریف می‌کنند. پیش از ورود به چالش اصلی بحثمان، مایلیم بدانم تعریف شما از تئاتر بر چه انگاره‌ای استوار است، تئاتر را هنری عامه‌پسند می‌دانید یا هنرری برای مخاطب خاص؟**

تئاتر در اصل یک هنری است که همه اقشار جامعه را در بر می‌گیرد؛ تعریف آن بستگی به ژانر و کارها دارد، یعنی ما اگر از گذشته دور مثل یونان باستان به تئاتر نگاه کنیم می‌بینیم زمانی که تئاترهای جدی اجرا می‌شد، نقیض آن نمایش‌ها در تئاتر ها یعنی شکل مضحک آنها هم لابه‌لای آن نمایش‌ها اجرا می‌شدند. علت آن هم این بوده که چون از صبح تا عصر به تماشای تئاترهای جدی سرگرم بوده‌اند و به بهترین ژانر جایزه هم داده می‌شده، در انشای آن نمایش‌های جدی، برنامه‌های به اصطلاح کمیک هم بر گزار می‌شد، مثلاً در جایی ترازوی و در جای دیگر ترازوی مدرن، مولودرام، کمدی، مضحک، تئاتر پول‌با و امثال اینها هستند اما همه اینها بستگی دارند به اینکه ما در چشم انداز و برنامه‌ریزی هایمان نگاهمان نسبت به اینها چگونه است؟ کدام بر دیگری ارجحیت دارد و به عنوان اساس و بنیاد در نظر گرفته می‌شود و برخی دیگر هم در کنار خط و جریان اصلی حضور دارند.

**یکی از مباحثی که این روزها در مورد آن صحبت‌های متفاوتی شنیده می‌شود موضوع تئاترهای لاکچری و بلیت‌های گران‌قیمت ۲۵۰هزار تومانی است. شما این مسئله را برای تئاتر آسیب‌زا و لو‌گیکری کننده از پیش‌رفتش می‌دانید یا اینکه نه. این**

<b>حکمت</b>
<span></span>
<b>حکمت ۹۹</b>
این سخن که می‌گویم، ما همه از آن خداییم. افزاری است به بندگی و اینکه می‌گویم «بازگشت ما به سوی اوست» اعترافی است به نابودی خویش.

## بررسی دلایل ظهور دستمزدها و نمایش‌های لاکچری در تئاتر در گفت‌وگو با شکر خدا گودرزی

می‌کردند باید ذائقه مخاطب را به یک شکلی و عنوانی عوض بکنند!
الان با یک شرایطی مواجه شده‌اند که نمی‌دانند باید با آن چه کار بکنند و تعریفش کنند!
این روحیه اشرافی‌گری الکی در خیلی‌های دیگر هم قابل‌رؤیت است. پول‌های بادآورده، اشرافیت در جامعه ما ریشه‌اش کنده نشده و متأسفانه در حال رشد هستند. البته این چیزی که من دارم می‌بینم بیش از آنکه اشرافی‌باشد، حرفی تزئینی و لوکس است ادا آوردن است.

**در شکل‌گیری این بحثی که به آن اشاره کردید سهم غفلت را بیشتر می‌دانید یا تقصیر و تجاهل افرادی که با سوگیری‌هایشان این وضعیت را ایجاد و تقویت کرده‌اند؟**

در مورد شکل‌گیری یک چنین موضوعی من هر دو مؤلفه غفلت و تقصیر را به صورت توأمان و با هم دخیل می‌دانم، چون این اتفاق قدم به قدم شکل گرفته است. همان‌کسانی که با بی‌خیالی و پلاری به هر جهت بودن‌شان فاجعه‌کنونی را رقم زدند متخیر می‌مانند و می‌گویند که قرار نبود اینچور بشود! ما اشرافی‌گری، پنت هانس، ماشین و ساختمان‌های آنجنانی نمی‌خواستیم! ما قرار نبود مدبری را تربیت کنیم که آن مدیر بعداً با خرج کردن از جیب مردم به اوضاع آنجنانی برسد! ما فکر نمی‌کردیم که روزگاری بیاید که دو تابعیتی بودن هم پُر بشود! این غفلت باعث استفاده‌ می‌شود چون شاخک‌های حسنی‌ات آرام‌از حس‌ساستیش را از دست داده و دیگر نسبت به برخی موضوعات واکنش نشان نمی‌دهند! رنگ خطر نمی‌زنند!

**جور نمایش‌ها هم باید وجود داشته باشد؟ تکلیف مخاطب چه می‌شود؟ واقعبیت این است که برای مردم تماشای نمایش‌هایی با بلیت ۲۰۰هزار تومانی غیر ممکن است چه اینکه شرایط اقتصادی اجازه خرید بلیت‌های لاکچری و گران‌قیمت را نمی‌دهد و این یک واقعبیت است. من چند روز پیش داشتم یک مطیلی را می‌خواندم که نویسنده‌اش نوشته بود: «بلاچند خراب خوب بود چون در طول هفته می‌توانستم یک روز را برای تماشای تئاتر و نمایش (با شرایط تخفیف یا بلیت ارزان‌قیمت ...» و به همراه خانواده ام اختصاص بدهم اما امروز دیگر ممکن نیست!
خب، این یک مسئله‌ای است که متأسفانه در حال حاضر کمرنگ شده است اما بحث من چیز دیگری است، مثلاً اگر کسی بخواهد یک تئاتر با بلیت ۲۰۰ هزار تومانی را همراه با خانواده‌اش (با توجه به میزان سال‌ها، مخاطبان میلیون تومان فقط هزینه بلیت تئاتر بدهد. قطعاً این خانواده یک وعده غذایی هم باید بخورند و در کنار این هزینه جابه‌جایی و ... هم هست، خب با یک حساب سرانگشتی تماشای یک تئاتر برای این خانواده چیزی حدود ۲ میلیون تومان آب می‌خورد!این می‌شود یک کار لوکس و لاکچری‌نه فرهنگی!
کسی نمی‌گوید تئاتر لوکس نباشد!
اما این لوکس(با توجه به میزان سال‌ها، مخاطبان و متقاضیان) کجا و چگونه باید باشد؟ آیا این کار لوکس باید بیاید و جای اثری را که به ریشه‌های فرهنگی ما ویژه‌توجه دارد بگیرد؟!**

به نظر من این بحثی نیست که از جایی شروع شده است و من گمان می‌کنم برخی گرایش‌های رسانه‌ای در شکل‌گیری این انتقاص بی‌تقصیر نیستند! شما ببینید همین کسی که دارد یک کار لوکس و لاکچری انجام می‌دهد مورد توجه و حمایت چه جبرانی بوده؟ درست می‌فرمایید.

به نظر من در این‌وا اسفا کسانی دارند حرف می‌زنند که خودشان بانی این اتفاق بوده‌اند؛ کسانی که فکر

## گیر افتادن دوباره برنامه‌های تلویزیونی در تله عجله «فرمول یک» با سرعت غیرمجاز چپ کرد



■ محمدصادق عابدینی

**زیر سؤال رفتن ادعاهای مهمان برنامه تلویزیونی «فرمول یک»، ببار دیگری نشان داد برنامه‌های اجتماعی تلویزیون که تحت تأثیر فضای مجازی حرکت می‌کنند تا چه حد آسیب‌پذیر هستند.**

هفته گذشته، برنامه «فرمول یک» که از شبکه اول سیما پخش می‌شود، میزبان پدر و پسری بود که به دلیل بردگی فرزند خانواده با بیماری سرطان از نظر مالی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده و با توجه به بالا رفتن قیمت دلار، زندگی آنها نیز با سختی مواجه شده بود. این قسمت از «فرمول یک» که همراه با اشک و آه مهمان و مجری برنامه بود، باعث شد تا مردم خیرخواه کشور، بیش از یک میلیارد تومان به حساب مهمان برنامه واریز کنند؛ اقدامی که تشکر و قدردانی علی ضیاء مجری برنامه فرمول یک را به دنبال داشت ولی همه چیز به همین جا ختم نشد.

زود مشخص شد که پسر سرطانی سال ۹۵ تحت پوشش یک بنیاد خیریه درمان شده و دیگر سرطان ندارد و همه هزینه‌های درمان را آن بنیاد خیره منقبیل شده و هنوز هم آن کودک تحت مراقبت قرار دارد. پس از آن مشخص شد که پدر خانواده که مدعی اولیه‌اش را به خاطر تأمین هزینه‌های درمانی فرزندش فروخته است، سه سال پیش از تولد فرزندش کلیه‌اش را فروخته است! اکنون شماره حسابی که کمک‌های مردمی به آن واریز شده، از سوی مقامات قضایی مسدود شده است. احتمالاً کمک‌های مردمی پس از تعیین تکلیف در مسیر درست‌ی استفاده شود، ولی در این میان چه کسی پاسخگوی اعتمادی است که یک برنامه پربیننده تلویزیونی از بینندگان سلب کرده است؟ داریوش آرمان مدیر عامل انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی که درباره چگونگی فروش کلیه مهمان برنامه «فرمول یک» اطلاع‌رسانی کرده است، می‌گوید: ای کاش دست اندرکاران برنامه‌های مختلف تلویزیونی قبل از تولید و انتشار چنین برنامه‌هایی که احساسات مردم را جر جرحه دار می‌کنند، از انجمن‌های مردم‌نهاد مانند انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی با ۲۰۰ شعبه و نمایندگی در سطح کشور و ۴۰ سابقه فعالیت، صحت و سقم ادعاها را بررسی می‌کردند و ای کاش کمک‌های مردمی به گونه‌ای باشد که اطلاعات صحیح و منطقی به مردم ارائه شود و مردم بتوانند امور خیریه خود را در مسیر صحیح و منطقی، انجام دهند.

قطعا بسیاری برنامه‌هایی از جنس «فرمول یک» که تیم

توصیه ۲۰سال پیش رهبر انقلاب به مطالعه «مهاجران»

## انتشار کتاب پر فروش «هاوارد فاست» با ترجمه فریدون مجلسی



مردم برخاسته و با دردها و نیاها و آرمان‌هایشان آشنا بود. سرشت و سیرتی انسانی داشت که بازتاب آن در همه آثارش دیده می‌شود. فاست در سال ۱۹۱۴ در نیویورک به دنیا آمد و در نوجوانی به نویسندگی پرداخت. بیشتر داستان‌هایش در زمینه‌های تاریخی و به ویژه درباره تاریخ امریکا و انقلاب آن کشور است و در نگارش زندگی‌نامه‌های داستانی بر مبنای واقعبت‌های تاریخی بسیار زبردست بود. فاست نخستین رمان تاریخی‌اش را به نام دو ذره، در سال ۱۹۵۰ به انعام فعالیت‌های خدامریکایی، قربانی هیاهوی افکار و احساسات آرمان‌گرایانه فاست او را در سال ۱۹۴۳ میلادی

دهه ۱۹۵۰ به انعام فعالیت‌های خدامریکایی، قربانی هیاهوی فاشیستی مکت‌کار تیسم شد و او را دستگیر و محاکمه و زندانی کردند. او در سال ۱۹۵۶ با سرخوردگی از عملکرد رژیم‌های کمونیستی از حزب کمونیست امریکا کناره گرفت.